

پیش‌گفتار سردبیر

شعله شمس شهباز

سالی که گذشت

در آغاز فصل سرد، و شروع سال نو میلادی، مروری می‌کنیم بر حوادث زیادی که در سال گذشته در جهان رخ داد. داغ‌ترین خبر، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود که با پیروزی غیرقابل باور دونالد ترامپ، به انجام رسید. واکنش‌ها گوناگون بود. اما با سیستم پیچیده‌ی مرحله‌ی نهایی انتخابات آمریکا، هیچ نتیجه‌ای نمی‌توانست کاملاً پیش‌بینی شود، حتی با نظر سنجی‌هایی که تا آخرین لحظه خبر از پیروزی رقیب می‌داد، ولی کاملاً برعکس عمل کرد!



در انتخابات آمریکا اگرچه کلینتون رای بیشتری از ترامپ آورد اما آرای "Electoral College" نتیجه انتخاب مردم را تغییر داد. آیا می‌توان این سیستم را منصفانه و دموکرات ارزیابی کرد؟ این سیستم نه فقط دموکرات نیست بلکه یکی از سیستم‌های بسیار قدیمی در آمریکا است که راه‌حلی بوده در پی جنگ‌های داخلی و استقلال طلبانه که پیدا کردند.

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا برخلاف آنچه خیلی‌ها می‌پندارند مستقیم نیست. یعنی مردم آمریکا رئیس‌جمهور را مستقیماً انتخاب نمی‌کنند بلکه به صورت دو مرحله‌ای انجام می‌شود. مردم در روز انتخابات، از یک سو به‌طور مستقیم به نامزد ریاست جمهوری و معاون وی رأی می‌دهند و از سوی دیگر اعضای هیئت‌های انتخاباتی مجمع‌گزینه‌نگاران (Electoral College) را برمی‌گزینند.

بر اساس قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، تعداد اعضای هیئت‌های انتخاباتی هر ایالت معادل مجموع تعداد نمایندگان مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا و سناتورهای همان ایالت است. هر چه ایالتی پر جمعیت تر باشد، تعداد اعضای هیئت‌های انتخاباتی آن نیز بیشتر خواهد بود. به همین دلیل نقش ایالت‌هایی نظیر کالیفرنیا، تگزاس و نیویورک به نسبت ایالت‌هایی همانند یوتا، وایومینگ و یا مونتانا در انتخاب رئیس‌جمهور آمریکا به مراتب بیشتر است.

در حال حاضر، بیشترین تعداد هیئت‌های انتخاباتی به کالیفرنیا با ۵۵ عضو تعلق دارد و پس از آن تگزاس با ۳۸ عضو در مکان بعدی قرار می‌گیرد. ۸ ایالت نیز به همراه واشنگتن دی سی تنها دارای ۳ عضو هیئت انتخاباتی هستند. شهروندان واشنگتن دی سی تا سال ۱۹۶۰ از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری محروم بودند و بر اساس اصلاحیه بیست و سوم اجازه یافتند همانند دیگر شهروندان آمریکایی رئیس‌جمهور خود را برگزینند. از آنجا که واشنگتن دی سی در کنگره، نماینده‌داری حق

رأی ندارد، اصلاحیه بیست و سوم تعداد اعضای هیئت انتخاباتی این شهر را همانند ایالت‌های کم جمعیت ۳ عضو تعیین کرد.

انتخابات در آمریکا، از طریق رأی غیر مستقیم مردم انجام می‌گیرد. مردم هر ایالت به کاندیدای مورد نظر خود رأی می‌دهند، هر کاندیدا که برنده‌ی اکثریت آرا در آن ایالت شود، تعداد آرای انتخاباتی Electoral College آن ایالت را از آن خود می‌کند و هر کدام که ۲۷۰ رأی انتخاباتی را به دست آورد، رئیس جمهور آمریکا قلمداد خواهد شد.

پنجاه و هشتمین انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا بر اساس قانون اساسی روز سه‌شنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۵ (۸ نوامبر ۲۰۱۶) برگزار شد. رأی‌دهندگان، مجمع‌گزینهندگان ریاست جمهوری Electoral College را برگزیدند که آن‌ها نیز به نوبه خود به یک رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور جدید از طریق مجمع‌گزینهندگان رأی دادند.

این اتفاق که رأی عمومی را یک کاندید (هیلاری کلینتون) و رأی Electoral College را کاندید دیگر (دونالد ترامپ) به دست آورد، برای دومین بار است که طی سال‌های اخیر رخ داده. یکی در انتخابات اول George Bush ((Son)) در مقابل (Al Gore) که کار به دادگاه فدرال رسید و دیگری انتخابات اخیر که مردم آمریکا دو میلیون و نیم رأی بیشتر به کلینتون دادند ولی رأی Electoral College به ترامپ تعلق گرفت.

به نظر می‌رسد که ترامپ بعد از پیروزی در انتخابات، از مواضع پیشین خود فاصله گرفته، وی در اولین سخنرانی که بعد از انتخابش به سمت ریاست جمهوری آمریکا ایراد کرد از جمله گفت: «من تجربه‌های زیادی در سراسر جهان دارم و اکنون تلاش می‌کنم که در داخل کشور این تجربیات را پیاده کنم. هر آمریکایی فرصت خواهد داشت که رویایش را محقق سازد. زنان و مردانی که برای مدت‌های طولانی فراموش شده بودند دیگر فراموش نخواهند شد. زیرساخت‌های آمریکا را گسترش خواهیم داد و میلیون‌ها آمریکایی در این راه به ما کمک خواهند کرد. وی همچنان اضافه کرد باید از کهنه سربازان نیز تشکر کنم. ۱۸ ماهه دوباره آن‌ها سخن گفتیم و بارها با آن‌ها نشستیم. باید هرآنچه در توان داریم برای بهبود وضعیت آن‌ها به کار گیریم. برنامه‌های اقتصادی داریم که برای بهبود سطح اقتصادی آمریکا از آن‌ها استفاده خواهیم کرد. او در بخش پایانی سخن خود با اشاره به رهبران جامعه جهانی گفت: از جامعه جهانی می‌خواهیم آمریکا را همچنان در صدر قرار دهند. ما تلاش می‌کنیم صلح را گسترش دهیم و به دنبال افزایش تنش نخواهیم بود.

هیلاری کلینتون در سخنرانی بعد از اعلام نتایج انتخابات گفت:

"در طول زندگی حرفه‌ای‌اش روزهای تلخ و سخت بسیار داشته است. از جمله تجربه روزهایی که در مقام بانوی اول آمریکا پس از انتشار خبر رسوایی رابطه همسرش با مونیکا لوینسکی به نوشته یکی از دوستانش «متحیر، دل‌شکسته و خشمگین» بود و حتما تجربه آن روزها به به او کمک خواهد کرد که این مرحله را نیز تحمل و پشت سر گذارد".

اما زنان هوادار او تصمیم دارند یک روز بعد از سوگند ریاست جمهوری ترامپ در واشنگتن برای «حفاظت از حقوق، امنیت، سلامت و خانواده‌هایشان» تظاهرات کنند. تا کنون ۱۲۵ هزار نفر گفته‌اند

در این تظاهرات شرکت می‌کنند. شاید اگر این تظاهرات صورت گیرد، باعث شود که هیلاری کلینتون که به نیویورک و ویلای خانوادگی خود در نزدیکی جنگل رفته است، دوباره با واشنگتن آشتی کند. به هر حال هیلاری از صحنه کنار نرفته است و مانند همیشه به نحوی و صورتی از منافع کودکان و زنان دفاع خواهد نمود.

جدایی انگلستان از اتحادیه‌ی اروپا

پس از ماه‌ها و سال‌ها وعده و انتظار، رفراندوم برای استقلال و یا ماندن انگلستان در اتحادیه اروپا محقق شد و مردم انگلستان با ۵۲ درصد آرا برای استقلال و کناره‌گیری از اتحادیه اروپا رأی دادند.

بسیاری از تحلیلگران و مفسران سیاسی این انتخاب جمعی رفراندوم مردم انگلستان را نشان از بی‌خردی سیاسی آن‌ها دانستند. اما هر چند این انتخاب سیاسی جمعی مردم در بلندمدت هزینه سنگینی را برای این کشور تحمیل خواهد کرد، اما به واقع این حرکت را نباید به حساب بی‌خردی سیاسی مردم انگلستان گذاشت. رأی و انتخاب مردم در اصل اعتراض و روی گردانی شدیدی بود بر موضوع بوروکراسی شدید که بر اتحادیه اروپا حاکم شده است.

اتحادیه اروپا بر خلاف معیارها و مبناهای نخستین و وعده سرزمین موعود رفته رفته از یک ساز و کار دیپلماتیک دموکراتیک به یک ساز و کار بوروکراتیک دیپلماتیک تبدیل شد و روز به روز کاغذ بازی‌ها و زد و بندهای اداری در آن روندی تصاعدی و بسیار خسته کننده یافت. نتیجه‌ی این "همه‌پرسی" نشان داد که مردم از دستگاه‌های حکومتی و سیاستمداران حرفه‌ای گریزان شده‌اند. می‌خواهند حکومت مستقل و غیر وابسته داشته باشند، حتی اگر در آینده متحمل هزینه‌های سنگین شوند. دولت انگلستان که حکومت "مشروطه‌ی سلطنتی" را با تمام مفاد قانون اساسی آن قبول دارد و مملکت را بر این پایه می‌گرداند، به نتیجه‌ی رفراندوم که خواسته‌ی اکثر مردم برای خروج از اتحادیه-ی اروپا بود گردن نهاد و ضمیمه را فراهم می‌کند که از عضویت این اتحادیه بیرون آید. این است معنای حقیقی دموکراسی.

استعفای نخست‌وزیر ایتالیا

یک نمونه‌ی دیگر از نارضایتی مردم با تصمیمات قدرت حاکمه را در کشور ایتالیا شاهد بودیم که با سیستم جمهوری اداره می‌شود. اما مردمش همانند مردم بسیاری از کشورها، به مخالفت با تغییرات حکومتیان برخاستند.

در ایتالیا اعلام شد که حدود ۶۰ درصد مردم در یک همه‌پرسی پیشنهاد نخست‌وزیر این کشور مبنی بر تغییر قانون اساسی ایتالیا را رد کردند و ۴۰ درصد با این پیشنهاد موافق بوده‌اند. بر اساس طرح "اصلاحات بوشی" که به نام "ماریا ایلینا بوشی" وزیر اصلاحات در کابینه "رنسی" خوانده می‌شد، قرار بود تعدیلاتی در قانون اساسی این کشور وارد گردد که بر اساس آن، سیستم مجالس عوام و سنا در پارلمان تغییر کند و قدرت مجلس سنا در تغییرات و تجدید نظر در قوانین این کشور کاهش یابد. به این ترتیب اعضای مجلس سنا از ۳۱۵ به ۱۰۰ عضو کاهش می‌یافت که حق تصمیم‌گیری در تمام قوانین را نداشتند. رنسی استدلال می‌کرد که با تعدیل قانون اساسی از بُن بست همیشگی در

برابر حکومت ایتالیا جلوگیری خواهد شد. یکی از اهداف اصلی این همه پرسی ایجاد تسهیلات و جلوگیری از تغییرات پی در پی در حکومت و تسریع روند قانون گذاری در این کشور بود. اگرچه جوانان و روشنفکران این بار همسو و هم رای با تغییر بودند و از نخست وزیر حمایت می کردند، باز هم طبق روش دموکراسی و رای اکثریت، که شصت درصد از شرکت کنندگان را تشکیل می داد، قانون اساسی تغییر نکرد.

پس از ناکامی همه پرسی برای تغییر قانون اساسی در ایتالیا، "رنسی" نخست وزیر این کشور بر اساس تعهد قبلی کناره گیری اش را اعلام کرد. نخست وزیر ایتالیا مسئولیت کامل ناکامی همه پرسی برای تغییر قانون اساسی در این کشور را که بنا بر درخواست او راه اندازی شده بود، به عهده گرفت و کناره گیری اش را از پست نخست وزیری ایتالیا اعلام کرد. رنسی در یک سخنرانی که از تلویزیون این کشور پخش شد گفت: مردم ایتالیا با اکثریت قابل ملاحظه ای پیشنهاد تغییر قانون اساسی را رد کردند و به همین دلیل او درخواست استعفایش را به رئیس جمهور، "ماتاریلا" تقدیم می کند.

تظاهرات هزاران نفر در ترکیه علیه لایحه قانونی کردن تجاوز به دختران کم سن و سال

هزاران نفر از مردم ترکیه به خصوص زنان و کودکان در اعتراض به اصلاحیه قانون مناقشه برانگیز درباره رابطه جنسی با دختران کم سن و سال، در استانبول به خیابان ها ریختند و مخالفت خود را با این اصلاحیه نشان دادند.

بر اساس این اصلاحیه، عاملان سوء استفاده جنسی (تجاوز) به دختران کم سن و سال، در صورت عدم استفاده از زور و تهدید یا هر عامل بدون رضایت، اگر با قربانیان خود ازدواج کنند می توانند از زندان شدن پرهیز کنند. اما مردم بر این باور بودند که این لایحه "تجاوز جنسی" به کودکان را مشروع می کند.

معارضان در این تظاهرات شعارهای ضد دولتی از جمله "ما سکوت نخواهیم کرد، ما از این لایحه پیروی نخواهیم کرد، این لایحه را لغو کنید" سر دادند.

همچنین یونیسف با انتقاد از این لایحه، از تصویب آن ابراز نگرانی کرد. سخنگوی یونیسف اعلام کرد: "این سازمان عمیقاً از تصویب این لایحه که به نوعی باعث بخشش عاملان سوء استفاده جنسی می شود، نگران است."

بعداً در این اصلاحیه، یک بار دیگر اهمیت رای مردم در جلوگیری از قانون گذاری غیر منطقی ثابت شد.

مرگ فیدل کاسترو

فیدل کاسترو، رهبر کوبا در ۹۰ سالگی در گذشت. بسیاری از دولت ها و افراد، با سیاست های وی مخالف بودند و برخی دیگر نیز آن ها را درست می پنداشتند. اما به هر حال قیام فیدل کاسترو تاثیر زیادی بر روی جهان گذارد و معادلات قدرت را به هم زد. او نخستین دولت کمونیستی در غرب را تشکیل داد و بیش از نیم قرن بر کشور کوبا حکومت کرد. کاسترو از رهبران جنبش های آزادی بخش در آمریکای لاتین بود و ۶ دهه قبل در کوبا به قدرت رسید. دوران رهبری وی مملو از تلاش های آمریکا برای تغییر نظام در کوبا بود. دو سال قبل که فیدل کاسترو به دلیل کهولت و بیماری از قدرت کناره گرفت و اختیارات کوبا را به دست برادرش سپرد، با کوشش های فراوان به

خصوصاً از طرف پاپ، سعی بر این شد که روابط آمریکا و کوبا به حال عادی باز گردد. در این راستا او باما اولین رئیس‌جمهور آمریکا بود که پس از ۶ دهه به هاوانا سفر کرد و روابط آمریکا و کوبا از سر گرفته شد.

باراک او باما در گذشت «فیدل کاسترو» رهبر انقلاب کوبا را تسلیت گفت. وی کاسترو را فردی توصیف کرد که «به انحاء بی‌شماری مسیر زندگی افراد، خانواده‌ها و ملت کوبا» را تغییر داد. او باما نوشت: «تاریخ اثر بزرگ این شخصیت بر مردم و جهان اطراف او را ثبت کرده و مورد قضاوت قرار خواهد داد».

و این در حالی است که دونالد ترامپ در بیانیه‌ای شدیدالحن و غیردیپلماتیک، «فیدل کاسترو» رهبر درگذشته انقلاب کوبا را «دیکتاتوری بی‌رحم» خواند. وی در این بیانیه میراث کاسترو را «جوخه‌های آتش، تاراج، درد و رنج غیرقابل تصور، فقر و فقدان حقوق بشر» توصیف کرده و نوشته است که کوبا همچنان «جزیره‌ای تمامیت‌خواه» باقی مانده است.

تفاوت و توافق مخالفان حکومت در آمریکا و اروپا

همان‌طور که در بالا نیز اشاره کردم، بعد از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا جنبش‌های اعتراضی دامنه‌داری آغاز شد و مردم بسیاری ناراضی‌تری خود را از نتایج انتخابات باره پیمائی و حمل‌پلاکارد نشان دادند.

توافق بین این دو جنبش ترس از تروریسم و نژادپرستی است که با مسئله هجوم پناهندگان شروع شد. تفاوتی که در اعلام ناراضی‌تری مردم و جهش‌گریز از سیاستمداران حکومتی بین جنبش آمریکا و اروپا وجود دارد مسئله زنان است.

در آمریکا به دلیل نفوذ مذهب در قشر جامعه و سخنان ترامپ هنگام مبارزات انتخاباتی، احتمال می‌رود که حقوق زنان از نظر حق سقط جنین، کلینیک‌های دولتی برای کمک به زنان، قانون بیمه دولتی که با تلاش‌های هیلاری کلینتون در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون شروع شد و به بیمه‌ی پزشکی او باما انجامید، همه دستخوش تهاجم مجلس قرار گیرد و زنان این وسط بیازند. در حالی که در اروپا با روی کار آمدن هر سیستم حکومتی تازه، داده‌های حق و حقوق انسان‌ها عوض نمی‌شود و دستخوش تغییر قرار نمی‌گیرد.

با نگرشی بر شروع این جنبش‌ها می‌بینیم که هر چه هست جهش و اعتراض عظیمی است نشان دهنده‌ی آن که مردم دنیا پس از سال‌ها سر تعظیم فرود آوردن به سیستم‌های حکومتی کشور خود، آماده شده‌اند که فریاد اعتراض خود را به صورت مخالفت و نفی هر چه تا به حال انجام شده سردهند. حال آیا این طغیان و برآشفتگی آنان به نفع شان خواهد بود و یا باعث خواهد شد که کل سیستم کشورداری و بین‌المللی را به هم ریزد؟ باید منتظر بود و دید!

به هر حال دنیا "دهکده کوچکی" است که در آن همه با هم رابطه دارند و هر تلنگر کوچکی در یک گوشه از جهان موج عظیمی در گوشه‌ای دیگر به دنبال دارد.